

### متن پرسش

سلام حاج آقا: خدا به من امانت داد این نفس و این حیات رو. من از عمد و از روی نادانی این نفس را به ابتذال کشاندم تا جایی که سگ بزرگ و اژدهای وحشتناکی را به آن راه دادم و آن را توجیه کردم و به این امانت خیانت کردم و ایامی را به خیانت گذراندم. تا جایی که نفسم به صورتی شد که خودم هم باورم نمی‌شود چطور اینقدر پست شد که توانست خیانت کند به این امانت الهی. حالم از خودم بد می‌شود و کم آوردم و خداوند باید من را حفظ کند... اصلا حال خودم را مناسب ریزش رحمت الهی نمی‌دانم که از او رحمت و بخشش بخواهم. گناه، من را از خدا دور کرد و زندگیم را بی‌معنی کرد... نفهمیدم چگونه راه می‌روم و چگونه سخن می‌گویم و ظلم کردم. خیانت روی خیانت. خیانت به روح الهی که در من دمیده بود. چه کنم که این اژدها را بیرون کنم درحالی که با این شخصیتی که از خود ساختم امکان ندارد که بیرون رود... چه کنم خدا. خاک به سر شدم حاج آقا. زحمات انبیاء و مؤمنین را به باد دادم. شخصیتم را این‌گونه ساختم و یک گناه نیست که از آن توبه کنم. هیچ راهی برای خودم نمی‌بینم و اینقدر ظلمات روی ظلمات است که نمی‌توانم به پس‌فردا خوشبین باشم چون شخصیت خود را ضایع کردم. زحمات شما را نیز بر باد دادم. گریه‌های شبانه‌تان را به باد دادم. همه چیز را ضایع کردم. توبه برایم معنی نمی‌دهد. بخشش الهی برایم معنی نمی‌دهد. چون خودم می‌دانم چه کردم تازه این یک هزارم واقعیتی است که نمی‌بینم. چه کنم واقعا که این شخصیت دگرگون شود. هیچ‌امیدی ندارم و می‌دانم هیچ‌کاری نمی‌شود کرد چون اراده‌ی درست و حسابی از این شخصیت مبتذل من صادر نمی‌شود. باز آمدم زحمت شما را بدهم بلکه جمله‌ای بگویید که اثری کند. اینهایی که نوشتم ناظر به باطن است نه اینکه گناه فعلی انجام داده باشم ولی این باطن، در ظاهر هم ظهور دارد. حالم خیلی بد است از شخصیتم. یا علی.

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: از نظر به خوبی‌های دیگران و انگیزه‌های قدسی افراد غفلت نکنید و به افرادی که خوبی را تنها منتسب به خود می‌کنند و موجب انشقاق بین مؤمنین می‌گردند، حذر نمایید. این‌طور نیست که بعضی‌ها در جامعه‌ی اسلامی، خوبِ خوب و بعضی‌ها بدِ بد باشند. نظر به سنت‌های تکوینی جاری در عالم داشته باشید و بدانید گناهان به هر شکلی که باشد میهمان‌های ناخوانده‌اند و در فطرت جای ندارند. موفق باشید